

درباب ایران و اسلام

در ایام تعطیلات سال نوی میلادی، دو کتاب «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟»، نوشته کاظم علمداری، همچنین «کارنامه اسلام»، نوشته عبدالحسین زرین کوب را خواندم و لذت بسیار بردم. به رغم اینکه قریب به پانزده سال بین زمان انتشار این دو اثر فاصله هست، مضامین مشابه و تامل برانگیزی در آنها دیده می‌شود.

علمداری بر رابطه وثیق میان دین و دولت در زمان ساسانیان و فساد عظیمی که در آن روزگار در دستگاه دیوانسالاری ایران زمین موج می‌زد، انگشت تأکید نهاده و فروپاشی درونی و زمینه مساعد داخلی را سبب اصلی توفیق اعراب در حمله به ایران دانسته، همچنین به بالندگی تمدن اسلامی در ایران زمین طی قرون دوم تا هفتم هجری پرداخته، این مدعا را که ورود اسلام به ایران سبب عقب ماندگی ایرانیان شد، قویاً نقد کرده است. افزون بر این، به روایت علمداری، موقعیت اقلیمی - جغرافیایی ایران زمین، زندگی کشاورزی، کم آبی، عدم رشد سرمایه‌داری، پا نگرفتن علوم تجربی، عدم رشد علوم عقلی... از جمله علل و دلایلی است که در عقب ماندگی ایرانیان نقش ایفا کرده است. تحلیل های اقلیمی - جغرافیایی این اثر، تداعی کننده «سازگاری ایرانی»، اثر درخشان مهدی بازرگان است که چندین دهه پیش از انقلاب بهمن ۵۷ منتشر شده است.

«کارنامه اسلام»، ناظر به چرایی عقب ماندگی ایرانیان نیست، بلکه از کارنامه اسلام در بلاد اسلامی، پس از ظهور این آئین سراغ می‌گیرد؛ وضعیت کلام، فلسفه، عرفان، علوم طبیعی... را در تمدن اسلامی به بحث می‌گذارد؛ در این میان به آراء کندی، فارابی، بوعلی سینا، غزالی، اخوان الصفا، ابن رشد... می‌پردازد؛ نهضت ترجمه در قرن دوم هجری را برمی‌رسد، رابطه اسلام و هنر را واکاوی می‌کند و از خدمتی که اهالی ادب و شعر پارسی زبان به توسعه زبان عربی کرده‌اند، یاد می‌کند. زرین کوب بر آن است تا بالندگی تمدن اسلامی در حوزه‌های مختلف در قرون اولیه را به نحو فراگیر و جامع‌الاطرافی به تصویر کشد؛ در عین حال نشان می‌دهد که نخبگان ایرانی، به نحو اغلبی، پس از ظهور اسلام، با طوع و رغبت و صمیمیت، از وقت و هوش و ذوق و علم خود مایه گذاشتند و در پروردن و بالیدن هر چه بیشتر تمدن ایرانی - اسلامی، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

در مطالعه گرفتن چنین آثاری، در روزگار پر تب و تاب کنونی که برقراری حکومت دینی در داخل کشور طی ۳۸ سال گذشته، اسباب دین‌ستیزی و عرب‌ستیزی جماعتی را در داخل و خارج کشور فراهم آورده، تامل برانگیز و رهگشاست. هر دو نویسنده، پس از تأملات و تتبعات درازآهنگ خود، بدور و فارغ از غلیان احساسات و عواطف، این آثار را منتشر کرده‌اند؛ یکی از این دو نفر که از نویسندگان محبوب من است و خالق آثار ماندگار و درخشانی چون «پله پله تا ملاقات خدا»، «فرار از مدرسه»، «سرنی»، «بحر در کوزه»، «ارزش میراث صوفیه»...؛ در زمان حیات خویش، در برنامه «هویت» سیمای جمهوری اسلامی مورد لطف و نوازش قرار گرفت!! دیگری هم سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کند و استاد یکی از دانشگاه‌های معتبر آمریکاست. خواندن دو اثر خواندنی فوق را به دوستان و عزیزان پیشنهاد می‌کنم...